



وقتی مقابل ایرج طهماسب می‌نشینم و با او هم صحبت می‌شوی، برای لحظه‌ی شک می‌کنی این مرد همان خالق شخصیت کلاهقرمزی و کسی است که در زمینه سینمای کودک و سایر ژانرهای سینمایی و تلویزیونی دارای تجربیات ارزشمندی است. او انسانی افتاده‌حال و متواضع و به‌شدت انتقادپذیر بوده و برای کارش ارزش زیادی قایل است.

طهماسب در طول این گفت‌وگو بارها به عناوین مختلف از تعریف درباره‌ی خود طفره رفت و متذکر شد که مردم باید از کارش احساس رضایت کنند. او متولد ۱۳۳۸ است و کارش را از کتابخانه‌ی کانون پرورش فکری کودکان آغاز کرده است و در ده - یازده سالگی شروع به آموزش در کلاس‌های نقاشی، نمایش عروسکی و فیلم کانون کرد و بعد از انقلاب به مدت یکی - دو سال به عنوان مربی نقاشی در کانون پرورش فکری مشغول فعالیت شد.

به موازات این کارها، وی قبل از انقلاب کار جدی در زمینه‌ی تئاتر را هم آغاز کرده بود که حاصل آن اجرای چند نمایش در بعد از انقلاب بود. تعدادی از این نمایش‌ها عبارت‌اند از: «یک جفت کفش برای زهرا، داستان خرسی که می‌خواست خرس بماند، اولدوز و کلاغ‌ها، در اعماق اجتماع و...»

اجرای این نمایش‌ها با تحصیل طهماسب در رشته‌ی تئاتر در دانشگاه هم‌زمان بود. او در سال ۶۱ به عنوان بازیگر وارد تلویزیون شد و در سال ۶۲ در گروه کودک به عنوان بازیگر با مجموعه‌ی آسمون و ریسمون کار خود را آغاز کرد. بعد از آن تعدادی مجموعه‌ی تلویزیونی برای بچه‌ها بازی، اجرا و کارگردانی کرد. وی گذشته از فعالیت در تلویزیون به عنوان بازیگر هم در سینما به فعالیت مشغول بود و بعد به عنوان نویسنده و بعدها به عنوان کارگردان به کار خود در سینما ادامه داد. با ما پای صحبت‌های این هنرمند ارزنده‌بشید.

محمدرضا لطفی

گفت‌وگو با ایرج طهماسب، نویسنده، کارگردان و بازیگر سینما

دست سینمای کودک را بگیریم

آقای طهماسب، شما جزو معدود سینماگرانی هستید که نزدیک به دو دهه است با یک گروه تقریباً ثابت کار می‌کنید و افراد گروهتان نیز هم‌چنان مثل روز اول با هم صمیمی و دوست هستند، چیزی که شاید در سینمای ایران یک استثنا باشد. شما رمز این ماندگاری را در چه چیز می‌بینید؟

راستش پاسخ دادن به این سؤال ساده کمی سخت و پیچیده است، اما فکر می‌کنم دلیل عمده‌ی این مسئله این است که ما جاهایمان عوض نشده و هنوز احساس شاگردی می‌کنیم و دوست داریم که کارهای جدید را تجربه کنیم و یاد بگیریم. این حس در وجود تک‌تک ما از جمله آقای جلیلی و سایر دوستان وجود دارد. من فکر می‌کنم دلیل اصلی تداوم این همکاری وجود چنین حسی باشد. در طول این سال‌ها اختلافی بین شما و گروهتان پیش نیامده است؟

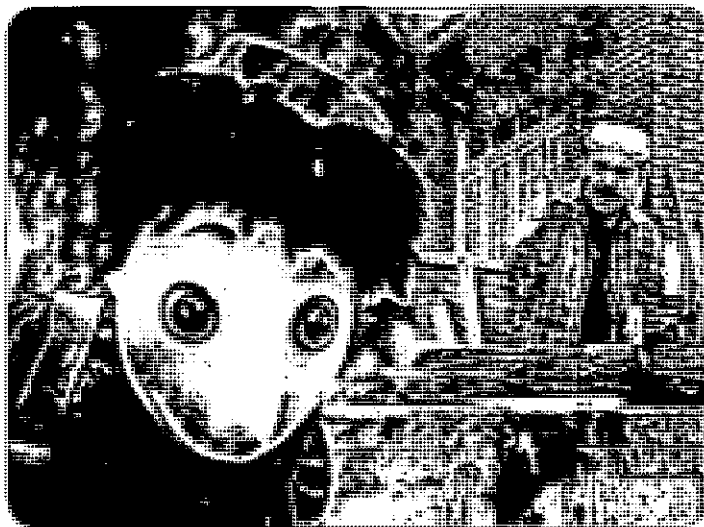
چرا، خیلی زیاد پیش آمده است. قطعاً ما هم مثل همه‌ی آدم‌ها با یکدیگر دچار اختلاف می‌شویم، اما این اختلاف‌ها جنبه‌ی کاری داشته و ربطی به دوستی‌مان نداشته است. به هر حال سلاطین هنرمندان در مقاطع مختلف فرق می‌کند و در زمانی ممکن است که نیاز به تجربه‌ی دیگری داشته باشند و ما هم در بعضی زمان‌ها به صورت جداگانه دست به تجربیاتی که فکر می‌کردیم نیاز داریم زدیم، اما هیچ‌گونه لطمه‌ی به دوستی ما وارد نشده است.

ویژگی کار با حمید جلیلی چیست؟
من فکر می‌کنم ویژگی بارز آقای جلیلی این است که ایشان

آقای طهماسب، لطفاً از ویژگی‌های ژانر کودک بگویید.
ویژگی بارز سینمای کودک، ساده بودن آن است، به عبارتی وجه تمایز سینمای کودک با سینمای بزرگسال در نحوه‌ی بیان متون آن است. در واقع در سینمای کودک، اصل جذابیت و سرگرمی بچه‌هاست. به نظر من تفاوت سینمای کودک با سینمای بزرگسال در موضوع است نه در اجرا. موضوعاتی که به صورت ساده به گونه‌ی بیان می‌شوند که در ادراک کودک می‌گنجد و او آن‌ها را متوجه می‌شود. به همین دلیل من خیلی از فیلم‌های بزرگسالان را در ژانر کودک به حساب می‌آورم، زیرا موضوعات آن‌ها به قدری ساده است که کودکان به راحتی آن‌ها را متوجه می‌شوند و حتی چند بار هم نگاه می‌کنند، با وجود این که در آن فیلم‌ها نه اثری از عروسک است و نه بازیگران کودک و اصلاً فیلم به نیت بزرگسالان ساخته شده است.

شما از ابتدا به ژانر کودک علاقه داشتید یا اجباراً به این وادی قدم گذاشتید؟

من اساساً کودکان را خیلی دوست دارم و در زندگی شخصی‌ام هم با بچه‌ها خیلی سر و کله می‌زنم، زیرا کودکان دنیای بسیار پاکی دارند و این خیلی زیباست. حتی ترن من در سال آخر هنرستان هنرهای زیبا (و نه دانشگاه) که من در آن‌جا نقاشی می‌خواندم، نقاشی کودکان بود و در دانشگاه هم گرایش من کار عروسکی بود. به همین دلیل باید عرض کنم که من قلباً کار کودک را دوست دارم و با علاقه‌ی شخصی قدم به این راه گذاشتم.



به نظر من تفاوت
سینمای کودک با
سینمای بزرگسال
در موضوع است
نه در اجرا
من قلباً کار کودک
را دوست دارم و با
علاقه‌ی شخصی قدم
به این راه گذاشتم

به‌شدت هنرمند هستند و به هستی با ظرافت خاصی نگاه می‌کنند و هم‌چنین به‌شدت ایرانی‌اند. به هر حال من فکر می‌کنم در کنار ایشان بودن خیلی چیزها را به آدم یاد می‌دهد.
شما از بی‌حاشیه‌ترین افراد فعال در سینما هستید، در این مورد صحبت کنید.

دغدغه‌ی اصلی من کارم است و سعی می‌کنم به جای پرداختن به حاشیه‌ها به بازیگری و دکوپاژ و کارگردانی و نویسندگی که فکر اصلی من است بپردازم و به مسایل دیگر مثل شهرت و پوستر و دستمزد و معروفیت که برای بعضی‌ها دغدغه‌ی اصلی است کم‌تر اهمیت بدهم، زیرا معتقدم که اگر کار کسی خوب باشد به واسطه‌ی آن دستمزد بالا و شهرت و پوستر هم خواهد آمد.

عزت پررونق شدن ژانر سینمای کودک را در دهه‌ی ۶۰ چه می‌دانید؟ چرا شما می‌گویید دهه‌ی ۶۰ پررونق‌تر بوده است؟
به هر حال خیلی از فیلم‌های ماندگار سینمای کودک ما در دهه‌ی ۶۰ ساخته شد و حتی اگر بخواهیم آن دهه را مثلاً با دهه‌های ۷۰ و ۸۰ مقایسه کنیم، کاملاً به اهمیت این موضوع پی می‌بریم.

من این‌گونه فکر نمی‌کنم و معتقدم چون ما در دهه‌ی ۶۰ در آغاز این راه قرار گرفته بودیم، مسئله برایمان جالب بود و در واقع به نوعی دچار ذوق‌زدگی شده بودیم. من فکر می‌کنم هنوز هم ما تولیدات سینمای کودک داریم و به همان میزان که در دهه‌ی ۶۰ فیلم کودک تولید می‌کردیم، در این سال‌ها هم تولید کرده‌ایم، البته ممکن است موفقیت‌هایمان کم‌تر شده باشد و یا در بعضی جاها دچار کاستی‌هایی شده باشیم، اما معتقدم از لحاظ تولید تفاوتی با دهه‌ی ۶۰ در سینمای کودک نکرده‌ایم. در واقع چون ما در بعد از انقلاب شاهد ورود افراد تازه‌یی به سینمای کودک بودیم و آغاز این ژانر در سینما محسوب می‌شد، دچار هیجان و شیفتگی شدیم و از آن دهه به عنوان دهه‌ی طلایی سینمای کودک یاد می‌کنیم، چون در قبل از انقلاب سینمای کودک در انحصار کانون پرورش فکری بود و کانون هم این فیلم‌ها را اکران نمی‌کرد و عملاً ما در آن زمان چیزی به نام سینمای کودک نداشتیم. ما باز هم شاهد ساخت فیلم‌های موفق کودک خواهیم بود که نیاز به حمایت و کمک دارد و کارهایی هم در حال صورت گرفتن است. البته در طول این سال‌ها مشکلاتی وجود داشته که از جمله آن‌ها، تفاوت بودن تعابیر فیلمسازان کودک با آموزش و پرورش بوده است.

چرا دیگر در این ژانر کار نمی‌کنید؟
من این ژانر را رها نکرده‌ام! تنها منتظر موقعیت و شرایط مناسب هستم. مطمئن باشید که من ول‌کن سینمای کودک نیستم!
آقای طهماسب با توجه به موفقیت فراوان کلاه‌قرمزی، شما

من با این نظر خیلی موافقم و آقای عسگرپور هم در جایی عنوان کرده بود که ما در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری روی جوانان در سینمای کودک خوب عمل نکردیم. من با حرف ایشان کاملاً موافقم. ما در برهه‌یی از زمان به جای سرمایه‌گذاری بر روی جوانان در ژانر سینمای کودک، سعی کردیم کار را به دست کاردان بسپاریم و از کسانی استفاده کنیم که امتحان خود را پس داده‌اند. همین مسئله باعث شد که امروز با فقدان نویسنده و کارگردان در سینمای کودک مواجه باشیم و امیدوارم که جوانان پا به این عرصه بگذارند و این گونه‌ی سینمایی را احیا کنند.

به نظر شما چرا اکنون سینمای کودک از بین رفته است؟
من اساساً سینمای کودک را در کشور مرده نمی‌بینم و در مقایسه با خیلی از کشورها ما هنوز تولیدات سینمایی کودک خوبی داریم و این اصولاً فقط مربوط به کشور ما نیست و در همه جای دنیا حجم تولیدات فیلم‌های کودک نسبت به سایر گونه‌ها خیلی کم‌تر است. حتی اگر به هالیوود هم نگاه کنید، می‌بینید که تولیدات سالانه‌ی

۳۷



به نظر من تفاوت
سینمای کودک با
سینمای بزرگسال در
موضوع است نه در
اجرا. موضوعاتی که
به صورت ساده به
گونه‌ی بیان می‌شوند
که در ادراک کودک
می‌گنجند و او آن‌ها را
متوجه می‌شود

آیادار جهت رفع مواردی که نام بردید، حرکتی هم صورت گرفته است؟
بله، به شکر خدا حرکت‌های خیلی خوبی صورت گرفته است.
مثلاً در زمینه‌ی ابزار و تجهیزات، واردات خوبی انجام شده و
مخصوصاً تلویزیون بسیار خوب عمل کرده است. در بخش بودجه
و سرمایه‌گذاری، بنیاد فارابی تسهیلاتی را برای سینمای کودک در
نظر گرفته است. در زمینه‌ی پخش و اکران هم کم‌کم صاحبان
سالن‌ها در حال آشتی با کودکان هستند و سانس‌های صبح، میزبان
مدارس و کودکان است.

برنامه‌ی برای احیای این ژانر یعنی کودک و نوجوان ندارید؟
من که به دنبال موضوع خوب هستم و اگر موضوع خوبی پیدا کنم،
اصلاً کاری ندارم که سینما مرده است یا زنده و آن را می‌سازم.
فکر نمی‌کنید یکی از دلایل تضعیف سینمای کودک ساخت
فیلم‌های جشنواره‌ی در مورد بچه‌ها و نه برای بچه‌ها باشد؟
خیر، من اصلاً چنین فکری نمی‌کنم. به نظر من ما باید خوشحال
باشیم که فیلم‌هایی در مورد بچه‌ها ساخته می‌شود و دعا کنیم که
فیلم‌هایی هم برای بچه‌ها ساخته شود. ما نباید این دو را مقابل هم
قرار دهیم و یکی را قوی‌تر و دیگری را ضعیف‌تر نشان دهیم.
به عنوان پرسش پایانی، پس از سال‌ها فعالیت در این عرصه
شما خود را بازیگر می‌دانید یا نویسنده و کارگردان؟

واقعیت این است که من هنوز خودم را هیچ چیز نمی‌دانم، جدی
می‌گویم. واقعاً هنوز خودم هم نمی‌دانم که چه کار دارم می‌کنم و
گویی در خواب دارم کار می‌کنم. من فقط می‌دانم که باید کار کنم،
چون زمان زیادی از دوره‌ی من باقی نمانده است. حالا اگر لازم
باشد بازی کنم و یا بنویسم و یا کارگردانی کنم، فرقی نمی‌کند، اما
این را می‌دانم که از وقتی بچه بودم و حتی از دبستان تمایل به
نوشتن بیشتر از هر چیز دیگری بود. بنابراین نوشتن چیزی است
که من حتی وقتی کاری در دنیا نداشته باشم آن را انجام می‌دهم، در
نتیجه شاید بتوان گفت که علاقه‌ام به نویسندگی بیش‌تر است.
خیلی متشکرم از وقتی که به این گفت‌وگو اختصاص دادید.

من هم از شما و نشریه‌ی خوب نقد سینما تشکر می‌کنم و آرزوی
سلامتی و موفقیت برای مردم عزیزم دارم ■

می‌توانستید خیلی راحت پنج تا کلاه قرمزی دیگر هم بسازید و به
قول معروف بار خود را تا آخر عمر ببندید، اما این کار را نکردید.
چه قدر با خودتان مبارزه کردید تا این کار را نکنید؟

خیلی زیاد، باورتان نمی‌شود ما چه قدر زجر کشیدیم تا این کار را
نکنیم. در واقع این که شخصیتی به وجود بیاید و بتوان آن را حفظ
کرد و نگذاشت وارد تبلیغات کالاها شود، کار بسیار سختی است. به
هر حال ما سعی کردیم بعضی چیزها را به خاطر پول در جایی خرج
نکنیم و کلاه قرمزی یکی از آن چیزها بود.
چرا بعضی‌ها وقتی در تلویزیون به محبوبیت و شهرت رسیدند
به سمت سینما کشیده می‌شوند و دیگر هم به تلویزیون
باز نمی‌گردند؟

علتش مربوط به این سرزمین نیست و یک قاعده‌ی جهانی است
که هنرمندان نمایش، ابتدا به تلویزیون می‌روند و در آنجا شروع
به فعالیت می‌کنند و پس از کسب محبوبیت وارد سینما می‌شوند و
تلویزیون هم بلافاصله جایگزین‌های خود را پیدا می‌کند. این یک
قاعده‌ی جهانی است و در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد.
از مشکلات سینمای کودک صحبت کنید.

سینمای کودک در سه بخش با مشکل مواجه است: اول مقوله‌ی
پخش و اکران فیلم کودک است که ما در کشور، سینماهای
مخصوص کودک نداریم و همین مسئله باعث شده است که هنوز
سینماداران ما با بچه‌ها آشتی نکنند و احیاناً از رفتارهای شیطنت‌آمیز
کودکان در سالن مثل پاره کردن صندلی‌ها و ... وحشت داشته باشند.
دوم، بخش بودجه و سرمایه‌گذاری در این کار است که خیلی کم
است و معمولاً در فیلم‌ها و برنامه‌هایی که برای کودکان ساخته
می‌شود، چون فکر می‌کنند که کار ساده‌ی است، بودجه‌ی کمی
به آن اختصاص می‌دهند و سوم این که امکانات فنی و جلوه‌های
ویژه در سینمای کودک خیلی مهم است، سینمای کودک بنا به نوع
کارش نیاز به ابزارهای فانتزی و استفاده از ترفندها و تروکازهای
خاص دارد که ابزارهای آن باید وارد کشور شود.

به نظر من اگر این سه مشکل حل شود، ما شاهد احیای سینمای
کودک خواهیم بود.